

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل اظهار داشت: اخباری که به رسانه‌ها درز کرده است، نشان می‌دهد که ایران در موضوعات مختلف با آمریکا مذاکره می‌کند؛ همین‌طور در بحث عربستان نیز روابطی وجود دارد. تحولات جدیدی در سیاست خارجی ایران رخ می‌دهد. ما با آمریکا جز بحث هسته‌ای مذاکره‌ای نداشتیم. ولی از چند ماه پیش ایران مذاکراتی در مورد مسائل منطقه، تبادل زندانی‌ها و... شروع کرده بود که بخشی از آن اجرا شد. در مورد اوکراین نیز مذاکراتی در حال انجام است، اما اینکه علت این جهت‌گیری چه می‌تواند باشد، محل بحث است. برخی معتقدند ایران در واکنش به شرایط منطقه‌ای و مشکلات داخلی، سیاست خارجی را مورد بازنگری قرار داده است، برخی می‌گویند ایران با تشدید روابط چین و آمریکا دنبال فرصت است. به نظر من پیامدهای این اتفاقات مهم‌تر از علت آن است. رحمان قهرمان پور گفت: شما در چند ماه اخیر شاهد این بودید که روسیه از این روند فعلی اظهار نارضایتی کرده است. لااروف از اجلاس سران گروه بیست‌از این مذاکرات اظهار نارضایتی کرد. این نشان می‌دهد که برخلاف آنچه روس‌ها فکر می‌کردند، ایران در حال تنش زدایی با غرب است. وی در ادامه در رابطه با احتمال عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل و ایجاد چالش برای روابط ایران با این بیان کرد: نزدیکی ایران به چین در موضوع عربستان برای آمریکا و روسیه یک نوع اتفاق غیرمنتظره بود. آمریکا تلاش کرده به عربستان نزدیکتر شود، روسیه نیز تلاش می‌کند در همین راستای حضور خود را در خاورمیانه بیشتر کند. اگر این سیاست در راستای برقراری موازنه باشد و با قدرتهای بزرگ جهانی روابط متوازن داشته باشد مفید خواهد بود، اما باید ببینیم که در عمل این سیاست چگونه پیش می‌رود. چالش‌هایی که پیش روی ماست، جدی است. الان مسأله عادی‌سازی روابط اسرائیل با عربستان یک آزمون سخت در برابر روابط ایران و عربستان است. در مقابل بحث عادی‌سازی عربستان و ترکیه نیز مهم است. ایران در این بین نتوانسته سرمایه از این کشورها جذب کند، اما ترکیه میلیاردها دلار قرارداد در حوزه‌های مختلف با کشورهای عربی منطقه بسته است. شروع این حرکت‌ها خوب است، اما دستگاه دیپلماسی باید آقدر قدرت داشته باشد که بتواند این سیاست را پیش ببرد. قهرمان پور سپس در رابطه با گام بعدی روابط ایران و عربستان بیان کرد: نحوه عادی‌سازی روابط با عربستان به نظر برخی هاشگال داشت. تاوجه به اینکه ایران دو سال بود با عربستان مذاکره می‌کرد، انتظار این بود که ایران بدون حضور طرف سوم مشکل را حل کند. ورود چین به روابط ایران و عربستان و مسائلی که در این مورد مطرح می‌شود، مانند اینکه چین ضامن حل اختلافات بین ایران و عربستان شده است. به هر حال ایران در مورد عربستان باید به ملاحظات چین هم توجه کند. الان روابط امارات با اسرائیل هم عادی شده است، اما مسأله این است که ایران می‌تواند با عربستان رابطه داشته باشد، اما گسترش نمی‌یابد. شروع مسأله یک چیز است، ادامه دادن و پیشبرد آن چیز دیگریست. ما الان یک گام به جلو برداشتیم، روابط را با عربستان و امارات عادی کردیم، اما گام بعدی دشوار است. این کارشناس مسائل آمریکا تصریح کرد: باید کاری کنیم که عادی‌سازی روابط اسرائیل با این دو کشور مانع روابط ایران با آنها نشود. به نظر من ایران هنوز سیاست مشخصی برای مرحله بعدی گسترش روابط با امارات و عربستان ندارد. بحث سرمایه‌گذاری با مسائل دفاعی و امنیتی اتفاقات جدیدی رخ دهد. هنوز در این مرحله شاهد اتفاقات خاصی نیستیم و حتی بازگشایی سفارت نیز تاخیر داشته است. مرحله بعد بهبود روابط ایران و عربستان با وجود اسرائیل چالش برانگیز خواهد بود.

#### هواپیماهای رادار گریز F-35

#### در رصد پدافند ارتش

**آرمان ملی:** معاون عملیات پدافند هوایی ارتش گفت: در روزهای گذشته چند فروند هواپیماهای F-۳۵ آمریکا در حال پرواز در خلیج فارس بودند و از لحظه برخاستن به طور کامل توسط رادارهای ما رصد می‌شدند. امیر سرتیپ دوم رضا خواجه با اشاره به حضور هواپیماهای F-۳۵، F-۴۰، F-۴۰ گریز آمریکا در منطقه خلیج فارس، گفت: در روزهای گذشته، چند فروند از این هواپیماها در حال پرواز در خلیج فارس بودند و از لحظه برخاستن به طور کامل توسط رادارهای ما رصد می‌شدند. وی افزود: تمام رادارهای مستقر در جنوب کشور به‌صورت لحظه‌ای این هواپیماها را رصد می‌کردند. معاون عملیات نیروی پدافند هوایی ارتش از رصد و پایش همه پروازهای انجام شده در منطقه توسط این نیرو خبرداد. امیر سرتیپ خواجه در تشریح توانمندی پدافند هوایی ارتش، گفت: همه پروازهای نیروهای فرمانطقه‌ای در منطقه خلیج فارس، تنگ هرمز و دریای عمان قطعاً توسط رادارهای ما به‌ویژه رادارهای مستقر در لبه جنوبی کشور به‌طور کامل رصد و پایش شده و در صورت لزوم به آن‌ها اختلال داده می‌شود. وی ادامه داد: هیچ پروازی را سراغ ندارم که توسط سامانه‌های ما شنود ما گزارش شده و توسط رادارهای ما کشف شود.

#### خلیج فارس میدان قدرت نمای تهران شد

به رغم حرکت محتاطانه امارات برای نزدیک شدن و عادی‌سازی روابط با ایران در سال ۲۰۱۹ و سپس فرستادن سفیر خود به تهران در سال گذشته، تنش‌های موجود بر سر جزایر تشدید شده که احتمالاً باعث پیچیده‌تر شدن روابط ایران، امارات و کل منطقه می‌شود. با این حال، به نوشته ریسپانسبل استیت گرفت، به نظر می‌رسد که طرفین حواس‌شان به از کنترل خارج‌نشدن این وضعیت هست. هر دو کشور می‌خواهند ثبات را در خلیج فارس حفظ کنند. ریشه اختلافات در ترجمه این تحلیل آمده است: این نزاع ریشه تاریخی دارد. این جزایر از سال ۱۹۰۸ تا ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱ در اشغال انگلیسی‌ها بودند. امارات متحده عربی و سایر کشورهای عربی همواره ادعا کرده‌اند که مالکیت ایران بر این جزایر غیرقانونی بوده و تهران نیز ادعای آنها را یک سوءتفاهم می‌خواند. ایران معتقد است که غرب در تلاش برای فشار بر جمهوری اسلامی و تضعیف وضعیت نظامی ایران در خلیج فارس، امارات متحده عربی را جسور کرده تا این مسأله را مطرح کند. مقامات در تهران معتقدند که این جزایر همیشه متعلق به امپراتوری‌های فارسی بوده است، در حالی که هم‌پایان اماراتی آنها ادعا می‌کنند که بازرگانان عرب قرن‌ها قبل از رسیدن انگلیسی‌ها، بر این سه جزیره حکمرانی می‌کردند. زمین این جزایر بایر هستند. در تنب بزرگ و کوچک هیچ کس ساکن نیست و ابوموسی حدود دو هزار نفر ساکن غیرنظامی دارد. این جزایر همچنین به دلیل موقعیت مکانی در نزدیکی تنگه هرمز، برای هر دو طرف اهمیت استراتژیک زیادی دارند. هر کشوری کنترل تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی را در اختیار داشته باشد، بر جریان خطوط دریاوردی خلیج فارس مسلط خواهد بود. تا سال ۱۹۹۲، ایران حضور نظامی خود در این جزایر را تقویت کرد. سال ۲۰۰۶، امارات متحده عربی یک استراتژی جدید برای بین‌المللی کردن این اختلاف را آغاز کرد. ابوظبی با سرمایه‌گذاری بر روی فشارهای بین‌المللی علیه ایران تلاش کرده تا از کشورهای قدرتمند برای ادعای خود حمایت بیشتری به دست آورد، اما ایران بر سر مالکیت خود بر این جزایر سازش نکرده است. در سپتامبر سال گذشته، ریم الحشمی، وزیر همکاری‌های بین‌المللی امارات به مجمع عمومی سازمان ملل گفت: «ما هرگز از ابراز ادعای خود بر این جزایر از طریق مذاکرات مستقیم یا از طریق دیوان بین‌المللی دادگستری عقب نخواهیم کشید.» مسکو و پکن وارد معادله می‌شوند دسامبر سال گذشته، چین و شورای همکاری خلیج فارس بیانه مشترکی را صادر کرده و خواستار حل دیپلماتیک این اختلاف شدند. این اتفاق مقامات تهران را ناراحت کرد که این بیانه را به چشم به چالش کشیدن تمامیت ارضی ایران دیدند. وزارت امور خارجه ایران سفیر چین در تهران را احضار کرد تا «نارضایتی شدید» خود را ابراز کند. ماه گذشته نیز روسیه و شورای همکاری خلیج فارس بیانه مشترکی صادر کردند و خواستار حل روابط فراینده بین تهران و مسکو موجب اعتراض شدید ایران شد. در پایان آگوست، سپاه پاسداران رزمایشی نظامی را در ساحل ابوموسی آغاز کرد و آمادگی این کشور برای دفاع از کنترل بر این جزایر را نشان داد. این رزمایش هشدار می‌دهد که اماراتی‌ها بود که برخی از آنها تهران را به کشاندن منطقه به سمت تشدید تنش‌ها متهم می‌کنند. سه انگیزه تهران برای نمایش قدرت ایران سه انگیزه اصلی از این نمایش قدرت دارد. اول، ایالات متحده در حال تقویت حضور نظامی خود در تنگه هرمز است و رزمایش سپاه با هدف ارسال پیامی به واشنگتن مبنی بر مرعوب نشدن ایران انجام شد. احمد ابودوه، عضو مؤسسه چشم به RS گفت: «ایران می‌خواهد در برابر استقرار نظامی ایالات متحده بازدارندگی ایجاد کند.» دوم، بسیاری از ایرانیان منتقد «سیاست نگاه به شرق» ابراهیم رئیسی هستند. یکی از آنها حمیدرضا عزیزی، کارشناس ایرانی مؤسسه امور بین‌الملل و امنیتی است که استدلال می‌کند که این سیاست، تصویری را ایجاد کرده که ایران به طور بی‌سابقه‌ای بر چین و روسیه متکی است. او می‌گوید: «ایران همچنین می‌خواهد نشان دهد که چنین تصویری درست نیست و به‌رغم موضع چین و روسیه، ایران آماده دفاع از حاکمیت و حقوق سرزمینی خود بر این سه جزیره است.» سوم، این رزمایش به وضوح فرآیندهای دیپلماتیک عرب آن نشان می‌دهد که به‌رغم نزدیک شدن آنها به تهران که کارشناسان تا حد زیادی به نیاز تهران برای دوزدن تحریم‌های اقتصادی غرب و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی نسبت می‌دهند، ایران قصد ندارد موضع خود در مورد آن را نرم کند. نقش مناقشه جزایر بر روابط منطقه‌ای به رغم پیشرفت در روابط امارات متحده عربی و ایران از سال ۲۰۱۹، تنش‌هایی اساسی در امور دوجانبه و همچنین در روابط ایران با عربستان سعودی و کویت، مانند اختلاف نظر در مورد میدان گازی آرش وجود دارد. این منازعات، روابط اخیر تهران با اعضای شورای همکاری خلیج فارس تحت فشار قرار داده است. عزیزی توضیح داد: «با قدرت‌نمایی، ایران می‌خواهد تأکید کند که دیپلماسی منطقه‌ای و تمایل به بهبود روابط با همسایگان به معنای این نیست که ایران مالکیت سرزمینی خود را نادیده گرفته یا به نوعی در این مسائل سازش کند. از طرف دیگر، این نشانه دیگری است که توافقات عادی‌سازی می‌توانند تنها آغازی بر یک روند طولانی و پیچیده باشند. ریشه‌های اختلاف نظر و نزاع ایران و همسایگان آن پیچیده و چندلایه است. یک توافقی دیپلماتیک نمی‌تواند به سادگی این مسائل را یک‌تایی حل کند.» تنش در مسائل جزایر سه‌گانه شکنندگی اما کارشناسان انتظار ندارند دعوی ایران و امارات متحده عربی در مورد این جزایر یا فقرته‌نمایی ایران منجر به هرگونه رویارویی مستقیم بین دو کشور شود. ابودوه می‌گوید: «به نظر می‌رسد که تهران و ابوظبی مسأله جزایر سه‌گانه را از بحث نزدیکی دیپلماتیک جدا کرده‌اند. از زمان تبادل سفیران در سال گذشته، ارتباطات منظمی بین هر دو طرف حول مسئله جزایر مطرح شده تا از تحت‌الشعاع قراردادن سایر جنبه‌های روابط آنها جلوگیری شود.»



صادق زیباکلام در گفت‌وگو با «آرمان ملی»

به مناسبت ۲۸ مرداد مطرح کرد

## روایتی از عوامل کودتای گمشده در تاریخ

**آرمان ملی - احسان اسفندی:** ۲۸ مرداد که می‌رسد کودتای آمریکایی - انگلیسی و دخالت بیگانگان در خاک ایران برای سرنگونی دولت دکتر محمد مصدق در باغ‌ها زنده می‌شود. پیرمرد بعد از کودتا تهران را ترک می‌کند و در تبعید به تلاش‌هایش برای استقلال ایران فکر می‌کند. و در تنهایی طعم مرگ را می‌چشد. در طول سال‌های گذشته ابعاد مختلفی از آن واقعه منتشر شده و ضد مصدقی‌ها می‌گویند که مردم از وضعیت اقتصادی به تنگ آمدند و علیه مصدق قیام کردند. برخی نیز البته با استناد به اسناد منتشر شده از سوی وزارت خارجه آمریکا بر یکبار دخالت‌های آمریکادار برکناری مصدق تأکید می‌کنند. اما آنچه در این بین از دیدنشریات دورمانده ما جرای مصدق و تلاش‌های او برای ملی کردن نفت و نگاه سایر دولت‌ها از جمله آمریکا به دعوی ایران و بر بریتانیاست: «آرمان ملی» در این ارتباط با صادق زیباکلام به گفت‌وگو پرداخته است. زیباکلام معتقد است: «شاه جرات نداشت به تخت سینه مصدق بزند در نتیجه از برکناری او توسط کودتاچیان استقبال کرد.»

#### این پیشنهاد آمریکا از سوی ایران و انگلستان با چه واکنشی روبرو شد؟

شرکت نفت بریتانیا چون باید سهم بیشتری به ایران می‌پرداخت و به هیچ وجه قبول نمی‌کرد اما با مذاکرات طولانی این پیشنهاد مورد پذیرش انگلستان قرار گرفت و نکته جالب اینکه ایران پیشنهاد ۵۰-۵۰ را نپذیرفت. مذاکرات ادامه پیدا کرد و راه‌حل بعدی که پیدا شد این بود پالایش و فروش نفت از سر گرفته شود چون بعد از ملی شدن صنعت نفت هیچ نفتی از سوی ایران نمی‌توانست به فروش رفته و عملاً تاسیسات نفت تولید نداشت. فرمولی که پیدا شد به این صورت بود که فعلاً مسأله مالکیت مسدود بماند چون محمد مصدق معتقد بود انگلستان باید بپذیرد که مالکیت تاسیسات نفتی به ایران تعلق دارد و هیچ حقی در این زمینه ندارد. انگلستان می‌گفتند درست است که منابع نفت در ایران است، اما ایرانی‌ها در پیدایش و تاسیس تاسیسات نفت یک ریال سرمایه‌گذاری نکردند و ما سرمایه‌گذاری کردیم، اما مصدق می‌گفت تاسیسات مال ایران شود و ایران غرامت می‌دهد. مصدق می‌گفت که به تدریج هزینه‌کردهای بریتانیا را می‌پردازیم که این مورد به طبع برای انگلستان قابل قبول نبود و انگلستان می‌گفت باید کاملاً غرامت را بدهید بعد تاسیسات مال ایران باشد اما در فرمول و راه حل جدید مالکیت کنار گذاشته شد و قرار شد تا تعیین تکلیف مالکیت بانک جهانی تاسیسات صنعت نفت را به عنوان کارگزار بچرخاند تا تکلیف نهایی حقوقی مالکیت تاسیسات نفتی مشخص شود.

#### چه میزان سود در اینجا به ایران می‌رسید؟

قرار بود از هر ششکه نفتی که به فروش می‌رسد درصدی به ایران و درصدی به عنوان کارگزار به بانک جهانی داده شود و بخشی نیز به عنوان حق‌الزحمه به انگلیسی‌ها پرداخت شود چون در تاسیسات کار می‌کردند و بخشی دیگر هم در صندوق ذخیره شود تا تکلیف مالکیت معلوم شود. این فرمول پیچیده بود اما به نفع ایران بود چون عملاً مالکیت ۵۰ ساله را از انگلستان سلب می‌کرد و دست انگلستان از نفت ایران کوتاه می‌شد، اما مصدق این پیشنهاد را نپذیرفت. زمانی که این فرمول که بعد از ماه‌ها مذاکره توسط بریتانیا پذیرفته نشد؛ بریتانیا به آمریکا ثابت کردند که معامله با مصدق فایده ندارد.

#### بعد از عدم پذیرش این فرمول توسط مصدق واکنش آمریکایی‌ها چه بود؟

لندن به واشنگتن اعلام کرد که ما گفته بودیم با مصدق نمی‌توانید توافق کنید و هر فرمول دیگری جز فرمول مصدق را پیدا کنید نخست‌وزیر ایران زبرش می‌زند.

**بریتانیان نزدیک به ۵۰ سال بود در ایران سرمایه‌گذاری کرده و با ایران قرارداد داشت و ایران حق خود را از این قرار داد کم می‌دانست و به رهبری دکتر مصدق نفت ملی شده بود. در اینکه اجحاف و ظلم زیادی به ایران می‌شد، تردید نیست، تردیدی در اینکه حق و سهم ایران خیلی بیشتر از آن مقداری که انگلیسی‌ها به ایران می‌دادند؛ بود، نیست و حق ایران در معنای واقعی از درآمد نفت خیلی بیشتر از چیزی بود که شرکت به آن می‌پرداخت ولی به هر حال توافق و قرارداد حقوقی با شرکت نفت انگلستان داشتیم و نمی‌توانستیم بر اساس مفاد آن به صورت یکجانبه آن را فسخ کنیم**

#### احتمالاً از این مرحله به بعد آمریکایی‌ها هم به فکر برداشتن مصدق افتادند؟

انگلیسی‌ها به آمریکا بایه ثابت کردند که به جز برداشتن مرحوم مصدق و حذف او از نخست‌وزیری هیچ راه‌حل دیگری نیست و به نظر این استدلال مورد پذیرش قرار می‌گیرد که مصدق اهل معامله نیست. البته در ۱۳۳۱ در آمریکا انتخابات می‌شود و دموکرات‌ها انتخابات را می‌بازند و جمهوری خواهان تدریج به قدرت می‌رسند و نزدیکی بین واشنگتن و لندن افزایش می‌یابد.

همچنین در انگلستان هم حزب کارگر انتخابات را می‌بازد و محافظه کارها که موضع‌گیری و نگاه تندتری نسبت به ایران داشتند در قدرت قرار می‌گیرند و به عبارت بهتر در لندن و واشنگتن دست راستی‌های ضد ایرانی در قدرت قرار می‌گیرند و تمایل به برکناری مصدق داشتند و دیگر به دنبال مذاکرات نبودند.

#### چرا مصدق هیچ راه‌حلی را نمی‌پذیرد؟

بنده نمی‌توانم جواب دقیقی به این سوال بدهم اما نظرات مختلفی در این ارتباط وجود دارد. مثلاً مصدق نگران حزب توده و نگران آیت‌الله کاشانی بوده که تکند افرادی فکر کند که مصدق با توده‌های غیرمسلمان ائتلاف کرده مصدق نگران مخالفان سیاسی خود بود که اگر با انگلستان بر سر نفت توافق کند، مخالفانش با فاصله در بوق و کرنا کند که مصدق خیانت کرد و مصالحه کرد که در همین خاطر است که مصدق نمی‌توانست با بریتانیا توافق کند.

#### پس در نهایت درهای مصالحه بسته شد؟

هر دو راه‌حل یعنی قرارداد ۵۰-۵۰ و سپردن امور به بانک جهانی به نفع ایران بود چرا که اگر اینطور می‌شد کودتا صورت نمی‌گرفت و دولت مصدق همچنان سر کار باقی می‌ماند اما مصدق نپذیرفت و اصرار اینکه انگلیس باید برای ایران کار کند و حقوق بگیرد و قبول کند تمام تاسیسات نفتی مال ایران است، باعث شد کار به بن‌بست برسد. در نتیجه آمریکا طرف انگلستان را گرفت و به دنبال کنار زدن مصدق رفتند. مشکل آنها محمدرضا پهلوی بود، چراکه شاه جنم و اراده اینکه به سینه مصدق بزند را نداشت و فقط دلی می‌خواست این کار را فرد دیگری انجام دهد و این آمریکا و انگلستان بودند که به شاه فشار می‌آوردند که مصدق را کنار زده و سپهبد زاهدی را نخست‌وزیر کند و آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها مقدمات کودتا را فراهم کردند و علیه مصدق کودتا شد.

#### یک سوال بی‌جواب باقی مانده چرا در ۲۸ مرداد هواداران مصدق به میدان نیامدند؟

درست است، در ۲۸ مرداد جمعیتی که ۱۴ ماه قبل در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ به میدان آمدند و از مصدق پشتیبانی کردند و اجازه ندادند قوام نخست‌وزیر شود؛ به میدان نیامدند. برخی معتقد هستند مصدق از هواداران خود خواسته بود که ساکت بمانند و به خیابان نیایند. برخی دیگر از هواداران مصدق به شاه پیوسته بودند. آنچه مسلم است آن است که ناامیدی و سرخوردگی بین هواداران مصدق به وجود آمده بود که گویا بحران نفت ادامه دارد. دلیل دیگر هم رفتار حزب توده بود. توده‌های در ۲۸ ماهی که مصدق در قدرت بود به خوبی قدرت زیادی پیدا کرد و شعارها و تبلیغات غیر مذهبی می‌دادند و حتی اگر این شعارها از سوی توده‌های ایران نبود به نظر می‌رسید که برخی دارند مردم مسلمان ایران را از فعالیت توده‌های‌ها می‌ترسانند و قصد داشتند به مردم بقبولاند که مصدق بماند توده قدرت را در دست می‌گیرد و اسلام کنار گذاشته می‌شود. در چند ساعتی که هواداران شاه در ۲۸ مرداد به میدان آمدند در ۸ صبح فقط چند صد نفر بودند. ساعت ده صبح تعداد هواداران شاه چند هزار نفر بودند ساعت ۱۲ چندین هزار نفر جمعیت بر ضد مصدق به خیابان آمده بودند اما هواداران مصدق به خیابان نیامدند که از وی حمایت کنند.